

بررسی نظیره‌های گلستان سعدی در قلمرو عثمانی

عبدالرضا سیف*، کامران بوزکورت**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۲۰ (صفحه: ۱۲۷-۱۵۰)

چکیده: گلستان سعدی که یکی از شاهکارهای ادبیات فارسی به حساب می‌آید مورد توجه شعراء ادبا و منشیان عثمانی نیز قرار گرفته و با شوق و اشتیاق خوانده می‌شده است. همچنین این اثر ارزشمند در طول قرون در قلمرو عثمانی هم ترجمه و شرح شده و هم، برای درک بهتر آن، فرهنگ‌های لغت گلستان نگاشته شده است. گذشته از این، بعضی از شعرا و نویسندگان این سرزمین، به زبان‌های فارسی و ترکی عثمانی، نظیره‌هایی بر گلستان سعدی نوشته‌اند؛ از جمله نخلستان شکرالله شروانی، نگارستان کمال پاشا زاده، سنبلستان شیخ شجاع گورانی، نهالستان نرگسی و... این نظیره‌ها از اهمیت زیادی برخوردار بوده و تعداد زیادی نسخه خطی از آنها در کتابخانه‌های مختلف وجود دارد. بحث این مقاله بررسی سبکی و محتوایی نظیره‌های گلستان سعدی، شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها با گلستان بر مبنای پاسخ به پرسش‌های زیر است: (۱) آیا مقلدان گلستان سعدی توانسته‌اند نثر مستجع به وجود بیاورند؟ (۲) آیا این نظیره‌ها تقلید

* استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران (seif@ut.ac.ir)

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران (kamuran_bozkurt@yahoo.com)

صرف بوده یا نویسندگان توانسته‌اند اثری متعلق به جامعه خود را به رشته تحریر درآورند؟ (۳) میزان موفقیت این آثار تا چه حد بوده است؟

کلیدواژه‌ها: سعدی، گلستان، نظیره، قلمرو عثمانی.

۱ مقدمه

ورود زبان و ادبیات فارسی به آناتولی به دوران خیلی قدیم برمی‌گردد. در زمان استقرار سلجوقیان در آناتولی، اقوام مختلفی در آنجا زندگی می‌کردند؛ از این رو، در آناتولی از زبان‌های گوناگونی استفاده می‌شد، ولی زبان رسمی سلجوقیان فارسی بود. زبان فارسی در میان اشراف و سپاهیان دولت سلجوقی رواج داشت و سلاجقه روم، قبل از آمدن به آناتولی، رابطه تنگاتنگی با ایرانیان داشتند. بعد از انقراض سلجوقیان روم در آناتولی دولت عثمانی به روی کار آمد. پادشاهان و بزرگان دولت عثمانی نیز از شعرا و نویسندگان حمایت می‌کردند و به‌خصوص به فرهنگ ایران و زبان فارسی توجه بسیاری داشتند. حمایت از زبان و ادب فارسی باعث گسترش ادبیات فارسی در قلمرو عثمانی گردید و شاهکارهای ادب فارسی مورد پسند و علاقه شعرا، ادبا و منشیان این سرزمین قرار گرفت. به گفته دکتر رضازاده شفق،

گلستان یکی از آن شاهکارهاست که در جهان ذوق و عرفان تأثیر خاصی داشته و گویی جادویی و فسونی را مالک بوده که این همه قافله دل‌ها را پیرو و مجذوب خود ساخته است. این کتاب بزرگ نه تنها از دیرباز در ایران کتاب درسی بوده بلکه در تمام عالم اسلام هم تا هفتاد و هشتاد سال پیش گلستان را در ممالک ترکیه تدریس می‌کردند و خود سلاطین آل عثمان از اشعار و حکایات آن در حفظ داشتند و شاهزادگان عثمانی در عنفوان شباب از لطایف و معانی آن برخوردار می‌شدند (رضازاده شفق ۱۳۱۶: ۶۵).

در دوره عثمانی، گلستان یکی از برجسته‌ترین کتاب‌ها در ادبیات کلاسیک شرق بود که با شور و اشتیاق فراوان خوانده می‌شد. برای آموزش زبان فارسی در مدرسه‌ها، گلستان در صدر کتاب‌های درسی قرار داشت (ریاحی ۱۳۶۹: ۲۴۳) و به دلیل دربرداشتن حکایت‌های اخلاقی و پندآموز «جزو کتاب‌هایی بوده که دانش‌آموزان آن را حفظ می‌کردند» (Karaismailoğlu 1999-2000: 75). تا پنجاه سال پیش نیز، در مدرسه‌های دوره متوسطه آناتولی، خواندن کتاب گلستان و حفظ

کردن آن مرسوم بوده است. در ادبیات ترکی، ترجمه و شرح گلستان از قرن چهاردهم میلادی آغاز شد (Olqun 1978: 117). همچنین در آسیای صغیر نظیره‌هایی بر گلستان سعدی نوشته شده، ولی تاکنون پژوهش مفصل و درخوری در این زمینه انجام نگرفته و تحقیقات موجود نیز به صورت کلی بوده و در آنها تأثیر ادبیات کلاسیک فارسی بر عثمانی بررسی شده است؛ از آن جمله می‌توان به کتاب زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی^۱ از دکتر محمدامین ریاحی و کتاب پارسی‌نویسان آسیای صغیر^۲ از پروفسور تحسین یازیجی اشاره کرد.

در پژوهش حاضر به معرفی آثاری پرداخته شده که، در آسیای صغیر به تقلید از گلستان سعدی نوشته شده‌اند؛ همچنین ویژگی‌های این آثار، زبان نگارش هر اثر و میزان موفقیت مؤلفان آنها در تقلید از گلستان بررسی شده است.

در این مقاله، ابتدا بعضی از ترجمه‌ها، شرح‌ها و لغت‌نامه‌های گلستان که در عهد عثمانی تدوین شده‌اند، معرفی و سپس، تعدادی از نظیره‌های گلستان بررسی می‌شوند.

۲ ترجمه‌ها، شرح‌ها و فرهنگ‌های لغت گلستان

۲-۱ ترجمه‌های گلستان در ادبیات ترکی

ترجمه سیفی‌سرایبی

ترجمه سیفی‌سرایبی از گلستان اولین ترجمه این اثر به ترکی است و به زبان قبچاقی در سال ۱۳۹۱ق / ۱۷۹۳م نوشته شده است (Eckmann 1968: 17; Karamanlioğlu 1969: 75).

ترجمه‌اسبیجایی

اسبیجایی دومین کسی بود که گلستان را به ترکی ترجمه کرد. این ترجمه را اولین بار استاد زکی ولیدی طوغان به جهان علم معرفی کرد (Toğan 1960: 149).

۱. محمدامین ریاحی (۱۳۶۹)، زبان و ادبیات فارسی در قلمرو عثمانی، تهران: پازنگ.

۲. تحسین یازیجی (۱۳۷۱)، پارسی‌نویسان آسیای صغیر، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین‌المللی.

ترجمه محمود بن قاضی مانیاس

در دوره عثمانی، اولین بار یکی از دانشمندان عصر سلطان مراد دوم، محمود بن قاضی مانیاس، گلستان را به ترکی ترجمه کرده است. این ترجمه، که در سال ۸۳۳ق / ۱۴۳۰م پایان یافت، به مراد دوم تقدیم شد (Özkan 2012: 570-573).

علاوه بر اینها، ضعیفی (وفات: ۹۶۷ق / ۱۵۵۷م)، شیخ الاسلام خواجه‌زاده اسعد افندی (وفات: ۱۰۳۴ق / ۱۶۲۵م)، نورس عثمان افندی (وفات: ۱۲۹۳ق / ۱۸۷۶م)، محمد سامی (وفات: ۱۱۴۶ق / ۱۷۳۳م) و محمد سعید افندی (وفات: ۱۲۵۷ق / ۱۸۴۱م) در زمان عثمانی و به زبان ترکی عثمانی ترجمه‌هایی فراهم کرده‌اند. آثار ترجمه‌شده دیگری نیز وجود دارد که بعد از دوره عثمانی و به الفبای لاتینی تدوین شده‌اند، ولی از آنجا که بررسی ما به دوره عثمانی محدود است، از ذکر نام آنها خودداری می‌کنیم.

۲-۲ شرح‌های گلستان در ادبیات ترکی

در دوره عثمانی، شرح‌های عربی، فارسی و ترکی بر گلستان نوشته شده است. شرح‌های گلستان به زبان ترکی از لامعی چلبی، شاهدهی، شمعی، سودی و دیگر علما و شعراست و بیشترین نسخه‌های خطی از شرح سودی باقی مانده، که نشان‌دهنده مقبولیت این شرح است (Yılmaz 2008: 16).

۳-۲ فرهنگ‌های لغت گلستان در ادبیات ترکی

برای درک بهتر مطالب گلستان، انواع فرهنگ‌های لغت نیز تدوین شد که کتاب لغت گلستان (تألیف: به احتمال زیاد قرن ۱۰ق / قرن ۱۶م)، مشکلات گلستان (تألیف: ۱۰۰۱ق / ۱۵۹۳م)، مفتاح گلستان (تألیف: احتمالاً قرن ۱۲ق / ۱۸م) و نیز لغت گلستان سعدی (تألیف: احتمالاً قرن ۱۲ق / ۱۸م) از آن جمله‌اند (Öz 1996: 269-368).

۳ نظیره‌های گلستان در ادبیات ترکی

در قلمرو عثمانی نظیره‌های زیادی بر گلستان سعدی نوشته شده که بیشتر آنها به قلم نویسندگان و شاعران و منشیان درباری به رشته تحریر درآمده است؛ از جمله:

(۱) نخلستان شکرالله شروانی

این اثر را شکرالله شروانی به تاریخ ۹۰۲ق و به زبان فارسی تألیف کرده است. مؤلف این اثر را به پیروی از گلستان سعدی و بهارستان جامی به رشتهٔ تحریر درآورده و برای آن، اسم ادبی نخلستان را برگزیده است. وی در این مورد می‌نویسد: «... اشتغال نموده شد به این تألیف کتاب مسمی به نخلستان در شکل بهارستان و گلستان؛ اگرچه نه در بلاغت و فصاحت...» (شکرالله شروانی ۲۰۰۶م: ۵). شکرالله شروانی اثر خویش را به پادشاه عثمانی هم‌عصر خود، سلطان بایزید دوم (پسر سلطان محمد فاتح)، تقدیم کرده است (همان: ۶).

نخلستان نه باب دارد. قبل از پرداختن به حکایات هر باب، از برای براءت استهلال، مقدمه‌ای آورده که در آن، ضمن آوردن آیه‌ای از قرآن و حدیثی از پیامبرص و درج اشعار فارسی، مطالبی پیرامون حکایات نگاشته و مقدمهٔ باب نهم نیز به یکی از سخنان امیرالمؤمنین علی^ع اختصاص یافته است. ابواب نخلستان عبارت‌اند از: باب اول، در عدل پادشاهان؛ باب دوم، در فضیلت علم؛ باب سیم، در فضیلت عقل و کارهایی به مقتضای آن؛ باب چهارم، در فضیلت شناختن حقوق ولی نعمت؛ باب پنجم، در محبت خاندان؛ باب ششم، در کرم و سخا؛ باب هفتم، در بیان رحمت و مغفرت و شفقت ایزد رحیم؛ باب هشتم، در بی‌وفایی دنیا؛ باب نهم، در سخنان متفرقه از هر باب.

شروانی، در نخلستان، به آیات قرآن کریم، احادیث نبوی و سخنان و مناجات بزرگان دین و ائمه^ع توجه زیادی کرده است. اکثر ابواب با آیات قرآن و احادیث نبوی شروع شده؛ همچنین در خلال حکایات، با آوردن آیه، اثر خود را زینت بخشیده است. زبانی که در مقدمهٔ نخلستان به کار رفته با زبان حکایات فرق می‌کند. حکایات نسبت به مقدمه ساده‌ترند؛ همچنین سجع و دیگر آرایه‌های ادبی که در مقدمه استفاده شده بیشتر از سایر باب‌هاست. بعضی از مختصات سبکی نثر نخلستان عبارت‌اند از:

- آمیختگی نظم و نثر (کاربرد اشعار عربی و فارسی)؛

- به کار رفتن سجع و دیگر آرایه‌های ادبی (در حد اعتدال)؛

- استشهداد به آیات قرآن و استناد به احادیث نبوی؛
- آوردن واژه‌ها و ترکیبات عربی؛
- کاربرد امثال و حکم عربی و فارسی (به ندرت)؛
- استفاده از توصیف در موارد کم.

با توجه به این ویژگی‌ها، سبک نثر نخلستان مایل به نثر مسجع است. سجع‌های به کار رفته در نخلستان بیشتر از نوع متوازی و مطرفاند و گاهی نیز سجع متوازن دیده می‌شود.

۲) فتح‌نامه قاسم بن شیخ احمد کنجائی

فتح‌نامه در قلمرو عثمانی به قلم قاسم بن شیخ احمد کنجائی نگاشته شده است. تاریخ نگارش اثر، همان‌طور که در پایان کتاب و بعد از باب هفتم ذکر شده، سال ۹۲۰ق است. چنان‌که از یکی از حکایات باب دوم این اثر برمی‌آید (← قاسم بن شیخ احمد کنجائی ۲۰۰۴م: ۱۱۳)، مؤلف از شروان به آناتولی و به شهر طوقات رفته و در قلمرو عثمانی زندگی کرده است؛ از این رو، بسیاری از حکایات فتح‌نامه به سلاطین، شاهزادگان و جامعه عثمانی اختصاص یافته است. یکی از ویژگی‌های این اثر ذکر حکایاتی است که درباره زندگی مؤلف بوده و مربوط به شهرهای بروسه، طوقات، ادرنه و آماسیا می‌باشد. تنها نسخه‌ای که از این اثر در دست است با شماره ۶۱۶ در بخش «لالا اسماعیل افندی» در کتابخانه سلیمانیه ثبت شده است (کارداش ۲۰۰۴م: ۲۶).

مؤلف در فتح‌نامه درباره اینکه اثر خود را به پیروی از گلستان سعدی نگاشته یا بهارستان جامی مطلبی ذکر نکرده است، اما با توجه به بعضی از ویژگی‌های این اثر، مانند یکی بودن نام دو باب از گلستان سعدی و فتح‌نامه قاسم بن شیخ احمد کنجائی («در سیرت پادشاهان» و «در اخلاق درویشان»)، شبیه بودن نام یکی از ابواب این آثار («در عشق و جوانی» از گلستان و «در عشق عاشقان» از فتح‌نامه) و بعضی از مختصات سبکی این دو اثر چون مسجع بودن نثر، آمیختگی نظم و نثر، آوردن آیات قرآن، احادیث نبوی، امثال و حکم، باب‌گذاری اثر و... می‌توان گفت که این اثر به پیروی از گلستان سعدی نوشته شده است.

همچنین از مقدمهٔ این اثر بر می‌آید که مؤلف آن را به سلطان سلیم تقدیم کرده است. وی در این مورد می‌گوید: «چون دیدم که سلطان امرای روم که هر روز در افزون باد جمال صورت و کمال معنی داشت شب و روز را یکی کردم و بر آن این دستاویز طرفه را ایجاد و اختراع کردم و پیش او درآوردم» (قاسم بن شیخ احمد کنجائی ۲۰۰۴م: ۱۰).

این اثر برای پند و عبرت گرفتن خوانندگان و شنوندگان است و خود مؤلف در این باره می‌گوید: «... و این رساله‌ای است که تصنیف کرده شد از غرایب اخبار و عجایب گذشتگان روزگار بر آن که از وی فایده‌ای گیرند و عاید‌ای دارند و تا پندی بود خوانندگان را و عبرتی بود شنوندگان را» (همان: ۹). فتح‌نامه شامل هفت باب است: باب اول، در سیرت پادشاهان؛ باب دوم، در اخلاق درویشان؛ باب سوم، در قضاة زمان؛ باب چهارم، در عشق عاشقان؛ باب پنجم، در گفته‌های ندیمان؛ باب ششم، در کیاست دزدان؛ و باب هفتم، در ظرافت دشمنان.

فتح‌نامه ترکیبی از نظم و نثر بوده ولی به کارگیری نظم نسبت به نثر آن کمتر است. همچنین بسیاری از حکایات این اثر فاقد شعر است. در مورد سبک نثر آن نیز می‌توان گفت که مایل به مجسع بوده و سجع‌های آن که مبنی بر واژه‌های فارسی است، در سراسر فتح‌نامه دیده می‌شود. ولی دیباچهٔ اثر تا حدی، نسبت به حکایات، متکلف است. همچنین در باب دوم «در اخلاق درویشان» و در جای‌جای این اثر آیات قرآن، احادیث نبوی، دعا و عبارات عربی زیاد به کار رفته است.

۳) نگارستان کمال پاشازاده

نگارستان تألیف ابن کمال پاشا، فقیه حنفی ترک است. کمال پاشا در بیشتر رشته‌های علوم رسمی روزگار خویش نوشته‌هایی به فارسی، عربی و ترکی دارد. همچنین وی در مدرسه‌های شهر ادرنه تدریس کرده و مقام قضاوت آن بخش‌ها و آناتولی را به عهده داشته و در عهد سلطان سلیمان خان عثمانی (۹۲۶-۹۷۴ق)، از سال ۹۳۲ق تا پایان ۹۴۰ق (تاریخ وفات مؤلف) عهده‌دار منصب شیخ‌الاسلامی بوده است. وی نگارستان را، که یکی از نظیره‌های گلستان است، به سال ۹۳۹ق (از دهم صد، مانده شصت و یک) به رشتهٔ تحریر در آورده است (منزوی

۱۳۵۱: ۵ / ۳۴۱-۳۴۲). بیشتر داستان‌های این کتاب از حکایت‌های تاریخی واقعی و حکایاتی در پند و اندرز است که در مجموع به چهارصد حکایت می‌رسد (یازجی ۱۳۷۸: ۶۳۶).

این اثر مورد پسند تذکره‌نویسان نیز قرار گرفته است. البته سهی بیگ در تذکره خویش (تذکره سهی بیگ) نگارستان را تقلیدی از بهارستان جامی می‌داند: کمال پاشازاده «نگارستان را به پیروی از هشت روضه، مسمی به بهارستان مولانا شیخ عبدالرحمن، به زبان فارسی نگاشته است. فی الحقیقه آن را به نحو احسن نگاشته و در آن حکایات نغز و دلنشین را گردآوری نموده است. وی با درج مناسب ابیات عربی و فارسی، اثر خویش را با نگارستان چین و گل‌های بهشت جاویدان، مزین ساخته است» (Sehi Bey 1980: 93). همچنین در شقایق نعمانیّه درباره این اثر آمده است: «به کتاب بدایع‌نگار مرحوم شیخ سعدی - گلستان - اثری رنگین و بی‌نظیر و یک نظیره دلپذیر با نام نگارستان نقش و نگار نموده‌اند که هیچ نقاش توانایی، در لوح تخیل و تفکر، قادر خلق چنین نقش دلکشی نیست» (Mecdi Efendi 1989: 1/ 384).

نگارستان هم، مانند گلستان، از هشت باب تشکیل شده و نام‌گذاری باب‌ها نیز همچون باب‌های گلستان است. کمال پاشازاده، ممدوح خویش، ابراهیم پاشا، و سایه افکندن این اثر بر بقیه آثار خود را چنین توصیف می‌کند:

نسخه نگارستان، که نسخ باستان را نسخ کرده است، به اقدام و ابرام و اهتمام تمام آن بقیه کرام دوستان سمّت اتمام و صورت اختتام یافت و فی الحقیقه این حدیقه انیقه تمام آنگه شود که شرف التفات یابد از طرف صف در آصف در مظفر غضنفر فر اندر حضر و سفر سر جریده امرای رزم‌آرای و بیت‌القصیده وزرای پر حزم و رای،

جهان فضایل محیط کمال سپهر کرم آسمان جلال

حسن الخلق و جمیل الخلق و جلیل الشان سَمی خلیل الرحمن حضرت ابراهیم پاشا یسره الله
ما یشاء و بشر اعداء بما ساء

نظیر آصف و ناظور دیوان وزیر حضرت سلطان سلیمان

(کمال پاشازاده ۱۹۹۴م: ۱۸).

کمال پاشازاده در به‌کارگیری زبان فارسی همانند سعدی و در زمینه بازی با کلمات نسبت به سعدی هنرنمایی بیشتری نشان داده است (Ateş 1958: 100). همچنین نشر

نگارستان، گذشته از آمیختگی به نظم، سرشار است از آیات قرآن، احادیث نبوی، عبارات عربی و ... بنابراین، سبک نثر نگارستان مایل به نثر فنی است. تأثیر گلستان سعدی هم در دیباچه و هم در ابواب هشت‌گانه نگارستان نمایان است. کمال پاشازاده مطابق ذوق و سلیقه خویش گل‌هایی از ابواب مختلف گلستان برچیده و آنها را در نگارستان خود کاشته است. گاهی این اقتباس از گلستان سعدی با قید عبارت «شیخ سعدی گوید» صورت گرفته و گاهی نیز بدون ذکر نام وی.

۴) سنبلستان شیخ شجاع گورانی

سنبلستان را شجاع گورانی به تشویق شیخ و مرشد خود، فتح‌الله صدیقی، در قلمرو عثمانی به رشته تحریر درآورده است. بنابر بیت پایانی دیباچه، این اثر به سال ۹۴۹ق نگاشته شده است:

در آن مدت که ما را بود خوش دل ز هجرت نهصد و نه بود با چل

(شجاع گورانی ۱۳۸۴: ۱۱)

سنبلستان آمیزه‌ای است از نظم و نثر فارسی و در اندک مواردی عربی. اغلب ابیات به کاررفته در سنبلستان «در عین سادگی، متضمن اشارات و تلمیحات فراوان است؛ اما بخشی از ابیات، به عللی که هم به ضعف مؤلف مربوط می‌شود هم به بی‌دقتی‌های مفرط نسخه‌نویسان، بسیار سست و مغشوش و پر از اغلاط است و گاه موجب ملال خاطر» (مهدی‌پور ۱۳۸۴: نه).

چنان‌که از مقدمه برمی‌آید، این اثر به پادشاه عثمانی، سلطان سلیمان قانونی، هدیه شده است:

و به کمال حقیقی آن دم رسد که در ایوان سعادت پناه کشور دستگاه، قاتل المتمدین، ظلّ الله فی الارضین، اشجع و عادل السلاطین، سراج المله و الدین، کفہ الأنام بالحق امام سلطان سلیمان ابن سلطان سلیم... (شجاع گورانی ۱۳۸۴: ۸).

سنبلستان شجاع گورانی به تقلید از گلستان سعدی نوشته شده و در ابواب دهگانه و به‌ویژه در دیباچه اثر، تأثیر عمیق گلستان سعدی مشاهده می‌شود. دکتر مهدی‌پور در این

مورد می‌گوید: «تقلیدی بودن سنبلستان از جنبه‌های مختلف چنان بارز و مشهود است که گویی مؤلف آن، گلستان را روبه‌روی خود گذاشته و بند به بند به نظیره‌گویی و استقبال آن پرداخته است، خواه در عبارات فارسی و عربی و یا در نثر و نظم» (مهدی‌پور ۱۳۸۰: ۶۰۰).

برای مقایسه، ابتدا یک بند از گلستان و سپس یک بند از سنبلستان ذکر می‌شود:
در خبر است از سرور کاینات و مفخر موجودات و رحمت عالمیان و صفوت آدمیان و تتمه دور
زمان، محمد مصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ،

شَفِيعُ مُطَاعٍ نَبِيٌّ كَرِيمٌ قَسِيمٌ جَسِيمٌ نَسِيمٌ وَسِيمٌ
بَلَّغَ الْعُلَى بِكَمَالِهِ، كَشَفَ الدُّجَى بِجَمَالِهِ حَسُنْتَ جَمِيعُ خِصَالِهِ، صَلَّوْا عَلَيْهِ وَآلِهِ

چه غم دیوارِ امت را که دارد چون تو پشتیبان
چه باک از موجِ بحر آن را که باشد نوح کشتیبان

(سعدی ۱۳۷۷: ۵۰)

در خبر است از صدر و بدر عالم و بهترین اولاد آدم، جمال روی زمین، نور دیده عیین، محمد
مصطفی خاتم النبیین،

شَفِيعُ مُطِيعٌ بِشَيْرٍ نَذِيرٌ عَطُوفٌ رَوْفٌ سِرَاجٌ مَنِيرٌ

بلغ العرشَ بفضل المعبود و حَصَه اللهُ بالمقام المحمود، صَلَّوْا عَلَيْهِ صَلَوةَ المَعْدُودِ لِكِي تَنَالُوا أُنْتُمْ
المَقْصُودَ.

بر فوق علا رفته محمد به کمالش شد کشفِ ظلامِ شب بدعت ز جمالش
نیکوست همه هیئت و هم خوی و خصالش صلوات و دعا باد به جان و تن آالش

زهی منقبتی که خلاق عالم به خودش خطاب می‌کند که: وَكَانَ فَضْلُ اللهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا.

نخواهد غم خورد امت که چون تو باشدش سرور
چه باک از موج قهر حق که چون تو باشدش رهبر

(شجاع گورانی ۱۳۸۴: ۲-۳)

ارکان اصلی سنبلستان را حکایات تشکیل می‌دهد و این اثر در موارد زیادی به آیات قرآن
کریم، احادیث نبوی و اخبار و اقوال دیگر بزرگان آراسته شده است. ضمن اینکه مباحثی

مربوط به حکمت عملی، وعظ و اندرز و معارف دینی در آن آمده است. همچنین بُعد ادبی این اثر در مقدمه آن بسیار قوی است، اما در ابواب دهگانه، جنبه لفظی تحت‌الشعاع گرایش معنوی قرار دارد (مهدی‌پور ۱۳۷۷: ۱۳۴).

نثر سنبلستان در دیباچه و ابواب آن متفاوت است. نثر حکایات با اینکه مسجع است ولی از تکلف و تصنعی که تا حدودی در مقدمه وجود دارد، خالی است. بنابراین، زبانی که در حکایات به کار رفته نسبت به دیباچه ساده‌تر است.

سنبلستان دارای ابواب دهگانه است و در مجموع ۱۲۵ حکایت دارد. بیشتر این حکایات در مورد اشخاصی چون انبیای الهی، اهل بیت، خلفای راشدین، اولیای الهی و... است. بنابراین می‌توان گفت که جنبه اخلاقی این اثر چشمگیر است و لحن صوفیانه در آن به چشم می‌خورد. تعداد و نام ابواب بدین شرح است: باب اول، در سیرت پادشاهان؛ باب دوم، در اخلاق درویشان؛ باب سوم، در اخلاق علما؛ باب چهارم، در فضیلت قناعت؛ باب پنجم، در فواید خاموشی؛ باب ششم، در سخاوت اغنیا؛ باب هفتم، در بخل و امساک؛ باب هشتم، در عشق و محبت؛ باب نهم، در پیری؛ باب دهم، در تربیت.

۵) نظیره محمد افندی

اطلاعات مربوط به این نسخه برگرفته از مقاله مرحوم تحسین یازیجی با عنوان «اهمیت آثار سعدی در امپراتوری عثمانی و دوران جمهوری ترکیه» است. با توجه به این مقاله، تاریخ نگارش اثر به قرن نهم هجری برمی‌گردد، ولی خود اثر در دست نیست (یازیجی ۱۳۷۸: ۶۴۶).

۶) نخلستان قره فضلی

قره فضلی نسبت به شاعران هم‌عصر خود شهرت بیشتری یافته است. نام او محمد است و در استانبول به دنیا آمد. آثار ترکی قره فضلی گل و بلبل، لهجه‌الاسرار، همای و همایون و نخلستان است. کسی که بیشتر از همه در کشف نبوغ ادبی قره فضلی تأثیر داشت شخصی بود به نام ذاتی. بسیاری از شاعران جوان از محضر این استاد شهیر بهره می‌بردند و قره فضلی با همت و

استعدادی که داشت توانست توجه استاد ذاتی را به خود جلب کند. قره‌فضلی، در سال ۱۵۳۰م، به درخواست استاد ذاتی، قصیده‌ای سرود که در مراسم ختنه‌سوران شاهزاده محمد، در حضور سلطان سلیمان قانونی خواند و مورد التفات پادشاه قرار گرفت. زمانی که شاهزاده محمد برای اداره مغنیسا^۱ گماشته شد، قره‌فضلی به سِمَت کاتب او منصوب شد (Köprülü 1977: 533). هرچند در تذکره‌ها این اثر منسوب به قره‌فضلی معرفی شده، ولی در جستجوی ما چنین کتابی یافت نشد. با توجه به اطلاعات ذکر شده در تذکره‌ها، نخلستان از داستان‌های منشور و شبیه به گلستان سعدی است (Mehmed Süreyya 1996: 2/ 512; Bursalı Mehmet Tahir 1972: 2/ 107).

۷) نخلستان القسطنطینوی

مؤلف این اثر را به زبان عثمانی و به نام نخلستان در تاریخ ۹۶۳ق / ۱۵۵۵م به رشته تحریر درآورده است. او نیز، همانند سعدی که گلستان را به نام سعد بن زنگی نگاشته بود، اثرش را با نام سلطان سلیمان قانونی مزین کرده و آن را باعث افتخار برای نخلستان می‌داند (Kostantinevi 2006: 54-57). مؤلف این اثر، در پایین برگ ۷۹، بعد از دعا، خویش را چنین معرفی کرده است: «الحقیر احمد الفقیر القسطنطینوی». همچنین، در همان برگ، شهر خود را نیز «قره آمد»^۲ معرفی می‌کند (ibid: 104 →).

مؤلف در این اثر به مباحث دینی و پند و اندرز پرداخته است. قهرمانان این قصه با نام‌های سعید و شقی آمده‌اند که خداوند آنها را برای استراحت و نیز تجارت به جزیره‌ای^۳ فرستاده تا خشنودی خدا را به دست آورند و به مشاهده جمال خدا نائل شوند (ibid: 64). نخلستان به لحاظ سبک، مانند گلستان سعدی، نثری آمیخته به نظم است که در خلال آن آیات قرآن، ضرب‌المثل‌ها و اشعار فارسی و ترکی آورده شده است. همچنین ترکیبات فارسی و عربی فراوانی در آن به کار رفته که اثر را پیچیده و دشوار کرده‌اند.

نثر نخلستان مایل به نثر مسجع است. سجع‌های این اثر، در کنار واژه‌های فارسی و عربی،

۱. شهری است مشهور به «شهر شاهزادگان»، که در غرب ترکیه قرار دارد.

۲. «قره آمد» نام قدیمی شهر دیاربکر، واقع در جنوب شرقی ترکیه است.

۳. در این جمله، «جزیره» کنایه از دنیاست.

با واژه‌های ترکی نیز آمیخته است. در نخلستان سعی مؤلف در به‌کارگیری سجع و دیگر آرایه‌های ادبی، به‌ویژه تضمین‌المزدوج، نمایان است. این اثر محصول دوران جوانی مؤلف است و او لازم دیده است که توانایی خویش را اثبات کند. همچنین این عصر (قرن ۱۶م)، عصر شکل‌گیری ادبیات دیوانی ترکی است و استفاده زیاد از واژگان و ترکیبات فارسی و عربی از شیوه‌های مرسوم مؤلفان آن روزگار بوده است.

۸) راحة الارواح چورلولو ظریفی

این اثر را چورلولو ظریفی به زبان ترکی عثمانی در ۱۰۱۳ ق نوشته و آن را به سلطان احمد عثمانی اتحاف کرده است. مؤلف تاریخ تألیف اثر را، که همان سال از دست دادن دو پسر و دو نوه خود بوده، هم در شعر می‌آورد و هم در حاشیه آن می‌نویسد:

دیدى هاتف او دمه تاريخن دورد ده داخل جنان اولدى

(Çorlulu Zarifi: 116 b)

این اثر، به گفته خود مؤلف، به تقلید از گلستان و بوستان سعدی، در هشت باب نگاشته شده است. مؤلف ظاهراً توانایی نوشتن خمسه را داشته ولی آن را انجام نداده و از این بابت متأسف است. گویا، از هاتف غیبی چنین ندایی می‌رسد که ای غافل ایام را غنیمت شمار و کتابی را با «انشاء لطیف آراسته» و با «نظم منیف پیراسته» به وجود بیاور که نثر آن مانند انشای گلستان «مرغوب‌الاسلوب» و نظم آن مانند ابیات بوستان «محبوب‌القلوب» باشد. مؤلف نیز، چون در مقابل این خطاب متوجه «فناى این گلزار جهان» و «عدم بقای این بهار عمر» می‌شود، بی‌درنگ کتابی چون گلستان و بهارستان به رشته تحریر درمی‌آورد، که شامل حکایات و قصه‌های دلنشین است (ibid: 3a-3b).

ظریفی نوشته خویش را به گلستان تشبیه کرده و هر گلی از آن را یادگاری از بوستان و هر شکوفه‌اش را بهاری از بهارستان دانسته است و نیز بهار این گلستان را همچون شکوفه بهشتی (گل‌های بهشتی) عاری از خزان می‌داند؛ چنان که گوید: «اما بو گلستانک هر وردی بر بوستانک یادگاری، و هر شکوفه‌سی بر بهارستانک بهاری در... و هم بو گلستانک هر بهاری، شکوفه جنان کیبی، حزان دن عاری در» (ibid: 4a).

مؤلف نوشته خود را بهشت و کلمات آن را چون سلسبیل دانسته و برای رسیدن به این معانی نیز هشت باب اثر را که به ابواب بهشت مانند کرده، معرفی می‌نماید. او در این مورد می‌گوید: «پس بو جنانک سلسبیل کلماتنه وصول و حور و غلمان معانیسنه دخول ایچون بعون الله الملک الوهاب جنت کیبی سکز باب ایتم که ذکر اولنور» (ibid).

مؤلف، در آغاز هر باب، پس از حمد و ثنای خداوند، درباره محتوای همان باب توضیح داده سپس به حکایات، قصص و لطیفه‌ها پرداخته است. باب‌های این اثر عبارت‌اند از: باب اول، در بیان بعضی احوال و استدلال از اثر به مآثر؛ باب ثانی، در بیان قصص زوجه صالحه و حکایات مرأة طالحه؛ باب ثالث، در بیان صبر هنگام بلا و جبر بر نفس؛ باب رابع، در بیان جود و سخا و بخشایش عطا؛ باب خامس، در بیان کلماتی است بانی به حصول توکل و هادی به وصول هدایت الله؛ باب سادس، در بیان لطیفه دلگشا و محاوره روح‌افزا؛ باب سابع، در بیان قصص شاهی و حکایت پادشاهی؛ باب ثامن، در بیان مهر و محبت و عشق و مودت. نثر راحة الارواح فنی و مستجع است و در به کارگیری واژه‌ها و ترکیبات عربی و فارسی افراط شده است؛ چراکه گاهی تنها به پسوند، فعل و ادات ترکی برمی‌خوریم و بقیه اجزای جمله از واژه‌های عربی و فارسی تشکیل شده است. همچنین در جمله‌های این اثر واژه‌های مترادف فارسی و عربی بسیار به کار رفته است.

۹) نهالستان نرگسی

نهالستان بهترین اثر نرگسی است که به زبان ترکی عثمانی نوشته شده و یکی از پنج اثر منثور (خمسه) او به شمار می‌رود. با توجه به نسخه‌های خطی نهالستان، معلوم می‌شود که دو نهالستان وجود دارد که اولی را نهالستان ۱ و دومی را نهالستان ۲ نامیده‌ایم.

نهالستان نرگسی (تألیف: ۱۰۳۵ ق) در واقع، حکایاتی است از موضوعات مختلف فراهم‌آمده از چند حکایت عاشقانه بر کتاب مشاق‌العشاق^۱. این اثر به چهار «نهال» تقسیم شده و

۱. مشاق‌العشاق یکی دیگر از آثار نرگسی است که شامل ده حکایت عاشقانه است. این اثر نیز با نثری آمیخته به نظم نوشته شده و به شیخ‌الاسلام یحیی افندی اتحاف شده است. برای اطلاعات بیشتر →

۱۷ حکایت دارد. مؤلف، چون می‌خواست اثر خود را به سلطان مراد، پادشاه عثمانی تقدیم کند، بعد از هفت سال (۱۰۴۲ق) یک نهال دیگر با عنوان «سخت‌ت» بر اثر خود افزوده و بعضی حکایات آن را جابه‌جا کرده تا نظم و ترتیبی به کتاب خود دهد (Çaldak 2010: 154-157).

به این ترتیب، نهالستان ۲ نرگسی به پنج باب به نام «نهال» تقسیم شده است: نهال اول، در سخت‌ت؛ نهال دوم، در عشق؛ نهال سوم، در موارد گوناگون؛ نهال چهارم، در پاداش اعمال؛ و نهال پنجم، در توبه. نویسنده در ابتدای هر نهال مقدمه‌ای می‌آورد که شامل محتوای آن نهال است. این مقدمه در بعضی نهال‌ها در حدود یک بند و در بعضی بیشتر است. در آغاز حکایات این اثر نیز، قبل از پرداختن به موضوع، اغلب توضیحی در حدود یک بند آورده شده است. این کتاب ۲۵ حکایت دارد.

نهالستان در ادبیات ترکی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. مؤلف این اثر به معقدنویسی^۱ شهرت دارد و تا چند قرن مورد استقبال نویسندگان بعد از خود قرار گرفته است. از این رو، در آثار نرگسی، به‌ویژه نهالستان که محصول دوره کمال وی بوده، انبوهی از واژگان و ترکیبات دشوار فارسی و عربی به چشم می‌خورد که باعث پیچیدگی زبان وی می‌شود. این واژگان و ترکیبات دشوار و مسلسل باعث شده که آثار نرگسی در دوره مشروطیت مورد انتقاد نویسندگان قرار گیرد؛ چرا که در این دوره ادبیات ترکی تحت تأثیر ادبیات غرب قرار گرفته و تصنع و تکلف در نوشتن رونق گذشته را از دست داده است (BANARLI 1983: 2/680).

نکته شایان توجه دیگر درباره سبک نهالستان صنایع ادبی آن است. به دلیل پرورش یافتن نرگسی در مدارس سنتی، وی در علوم دینی و ادبیات سرآمد بود. هر چند شهرت وی در نثرنویسی است ولی، با توجه به بعضی منابع، وی طبع شعر نیز داشته و اشعارش در حدود یک دیوان بوده است. آثار منثور نرگسی، به‌ویژه نهالستان که شعر نیز زینت‌بخش آن بوده، از بهترین نمونه‌های صنایع ادبی شمرده می‌شود (Çaldak 2010: 276-277).

۱۰) بلبلیستان فوزی موستاری^۱

بلبلیستان اثری از فوزی موستاری به فارسی و با نثری آمیخته به نظم است. این اثر همچون گلستان سعدی و نظیره‌های آن به چند باب تقسیم شده و در ابواب آن مشتمل است بر حکایت‌های آموزنده، مناقب و کرامات اولیا، پند و اندرز و لطیفه‌ها و نیز شرح حال چند شاعر ایرانی، ترک و بوسنیایی.

تألیف این اثر در تاریخ ۱۱۵۲ق به پایان رسیده است. به گفته خانم دکتر خویینی، مصحح این اثر،

بلبلیستان از هر حیث بیشتر به بهارستان جامی شباهت دارد تا به گلستان سعدی؛ یعنی علاوه بر صبغه عرفان، حکمت نیز در آن غلبه دارد، محتوای باب‌ها نیز دقیقاً تابع بهارستان است. بلبلیستان یک دیباچه، شش خلد و یک خاتمه دارد، یعنی دو باب از گلستان و بهارستان کمتر. خلد اول این کتاب «کرامت»، دوم «حکمت»، سوم «اخلاص»، چهارم «نکات»، پنجم «لطیفه» و ششم «سخاوت» است که، با اندکی تفاوت در ترتیب، شبیه باب‌های بهارستان است. فوزی خلد «اخلاص» را بر اثرش افزوده و سه روضه جامی با عنوان «اسرار حکومت و ذکر حکایاتی از شاهان»، «تقریر حال عشق و عاشقان» و «حکایتی چند از زبان حال جانوران» را حذف کرده است (خویینی ۱۳۹۰: ۱۲-۱۳).

فوزی، همان‌گونه که در زمینه محتوا و تقسیم‌بندی باب‌ها از بهارستان جامی پیروی کرده، از حیث سبک نیز بیشتر تحت تأثیر جامی بوده تا سعدی؛ زیرا نثر سعدی در ابواب گلستان یکدست و نسبت به نثر دیباچه ساده‌تر است، اما جامی در روضه‌ها نخست عباراتی مسجع و متکلف مناسب با موضوع قید کرده، پس از آن نثرش به سادگی می‌گراید؛ بلبلیستان نیز چنین است. فوزی در آغاز هر خلد مقدمه متکلف چند سطری در تقریر موضوع آن خلد ذکر کرده سپس وارد حکایت می‌شود. با این تفاوت که مقدمه‌های بلبلیستان بلندتر از بهارستان است (همان: ۱۳).

ممدوح فوزی در بلبلیستان حکیم اوغلو علی پاشا است. فوزی بلبلیستان را به علی پاشا،

۱. این اثر را خانم دکتر عصمت خویینی به سال ۱۳۹۰ و نیز آقای دکتر احمد بهمانی به سال ۱۳۹۱ تصحیح کرده و به چاپ رسانده‌اند.

که والی بوسنی و هرزگوین بوده، تقدیم کرده است. علی پاشا مردی شجاع و قهرمان جنگ بانیالوکا^۱ بوده که محبت همه اهالی بوسنی را به دست آورده است (دیزداریچ ۱۳۸۴: ۳۰). نثر بلبلیستان آمیخته به نظم و مایل به نثر مسجع است. سجع‌ها در سراسر اثر دیده می‌شود؛ اما سجع دیباجه اثر و دیباجه‌های باب‌ها بیشتر از قسمت‌های دیگر است. مؤلف این قسمت‌های اثر را با تکلف و تصنع نگاشته است. زبان اثر در مقدمه آن و در مقدمه‌هایی که پس از عنوان باب‌ها، در حد دو یا سه سطر، آمده نسبتاً پیچیده است، ولی زبان حکایت‌های اثر با اینکه مایل به مسجع است، ساده می‌نماید. همچنین نثر بلبلیستان آمیخته به اشعار فارسی و ترکی است. بعضی اشعار از شعرای ایرانی، عثمانی و بوسنیایی است، اما بقیه سروده خود مؤلف است. در بلبلیستان اشعار عربی به کار نرفته و آیات قرآن و احادیث نبوی و ضرب‌المثل‌ها در خلال نثر بلبلیستان به عنوان شاهد درج شده‌اند.

(۱) سنبلستان شوکت رومی

سنبلستان نوشته شوکت محمد استانبولی و به زبان فارسی است. اطلاعات در مورد سنبلستان فقط در کتاب مولفان عثمانی موجود است. در این اثر اشاره شده که سنبلستان به پیروی از گلستان سعدی نگاشته شده است (Bursalı Mehmet Tahir 1972: 2/ 403).

تاریخ تألیف سنبلستان ۱۲۷۵ق است که، در بیت آخر اثر، ماده تاریخ آن چنین ذکر شده است:

گهرپیرای تحسین است زیور اینچنین تاریخ کتاب سنبلستان طرح گل‌های معانی شد

(سبحانی و آق‌سو ۱۳۷۴: ۴۱۱)

شوکت رومی اثر خویش را سنبلستان نام نهاده و آن را به چهار بخش تقسیم کرده که این بخش‌ها، به بیان خود او، بدین شرح‌اند: «اولاً دیباجه ناچیز، دومش برخی فقره‌های حکمت‌آمیز،

۱. بانیالوکا (Banaluka/ Banyaluka) نام قلعه‌ای در بوسنی بوده است. در سال ۱۷۳۷م، کشورهای روسیه و اتریش، با وجود تعهدنامه صلح، با نیروی بسیار زیادی در بوسنی لشکرکشی کردند. حاکم بوسنی، در آن زمان، شخصی به نام حکیم اوغلو علی پاشا بود. در این جنگ، در نتیجه تدابیر، راهبرد و نقشه‌های علی پاشا و همچنین رشادت‌های وی و مردم بوسنی و همبستگی و اطاعت مردم نسبت به علی پاشا، دشمنان نه تنها نتوانستند بوسنی را به تصرف خود درآورند بلکه سخت شکست خوردند و ده‌ها هزار اسیر و کشته بر جا گذاشتند (UZUNÇARŞILI 2011: 275-276).

سیومش نقل‌های عبرت‌انگیز، چهارمش خاتمه» (شوکت رومی: ۱۱ب). اما، برخلاف گفته مؤلف، این ترتیب در اثر رعایت نشده است؛ یعنی همان‌طور که ذکر شد، اول باید دیباچه و پس از آن بخش دوم یعنی فقره‌های حکمت‌آمیز و سپس نقل‌های عبرت‌انگیز و در آخر نیز خاتمه را می‌آورد؛ ولی چنین عمل نکرده و بخش‌ها از هم جدا نشده و فقره‌ها و نقل‌ها در قسمت‌های مختلف اثر دیده می‌شود. در سنبلستان شوکت رومی از سجع (غالباً سجع متوازی و سجع مطرف) بیش از همه آرایه‌های ادبی استفاده شده؛ بنابراین، می‌توان گفت که مؤلف در صد آفریدن یک نثر مسجع بوده است.

۱۲) بلبستان محمد فوزی، مفتی سابق ادرنه

بلبستان را محمد فوزی، مفتی سابق شهر ادرنه^۱ به تاریخ ۱۳۱۰ق نگاشته و این اثر در تاریخ ۱۳۱۲ق در مطبعه عامره به چاپ رسیده است. سبب تألیف اثر نیز در مقدمه چنین بیان شده است که چون سعدی شیرازی کتاب گلستان و ملا جامی کتاب بهارستان و کمال پاشازاده نگارستان دارند، محمد فوزی نیز خواسته است که «در وادی پندداران دین و یاران حق‌گزین یک رساله‌ای ترتیب بکند» (محمد فوزی ۱۳۱۲ق: ۳-۷۸). اثر به زبان فارسی بدون نقص و به زبانی قابل فهم نوشته شده است. حکایت‌ها درباره اشخاص مقدس و اولیاست و، همچون گلستان، در پایان حکایت‌های منشور یک یا سه بیت متناسب با آن حکایت آمده است (YAZICI 1996: 240).

بلبستان فوزی از یک مقدمه و هشت باب تشکیل شده است. مقدمه این اثر با ستایش خداوند و مدح حضرت پیامبرص و یارانش آغاز شده و، در ادامه، مؤلف به معرفی خویش پرداخته است. وی غازی عبدالحمید خان، پادشاه عثمانی، را ستوده و این اثر را به وی اتحاف کرده است. بلبستان از هشت بخش تشکیل شده و هر بخش «نهال» نام دارد (← محمد فوزی ۱۳۱۲ق: ۳). محتوای این اثر نیز، همان‌طور که مؤلف در مقدمه بیان کرده، درباره «پندداران دین

۱. یکی از شهرهای ترکیه که در نزدیکی مرز یونان و بلغارستان واقع شده است. به دلیل اینکه مؤلف بلبستان بیست و پنج سال مفتی ادرنه بوده، نام این شهر همراه با اسم مؤلف ذکر می‌شود.

و باران حق‌گزین» است. کتاب شامل مباحث دینی و عرفانی است که، در آن، پندواندرزها برای سعادت دنیا و آخرت آورده شده است. برای بیان این حقایق، حکایاتی که قهرمانان آنها پیامبران و اولیای الهی هستند، نقل شده است. اثر، هرچند در ابتدای قرن بیستم در قلمرو عثمانی و توسط فردی ترک‌زبان نوشته شده، ولی زبان آن روان و استوار و بدون نقص است. وی بر زبان فارسی مسلط بوده و گاهی واژه‌های اصیل فارسی را نیز به کار برده است. نثر بلبلیستان، چه در مقدمه و چه در ابواب هشت‌گانه، نثری ساده است، ولی چون دارای مباحث دینی و عرفانی است، آیات و احادیث و نیز واژه و ترکیبات عربی در آن جای دارد، که این واژه‌ها باعث دشواری زبان اثر شده است.

۴ نتیجه‌گیری

همان‌طور که سعدی برای اثر خویش اسم ادبی گلستان را برگزیده، نظیره‌پردازان نیز، به تقلید از او، برای اثر خود اسامی ادبی همچون نخلستان، نگارستان، بلبلیستان... را انتخاب کرده‌اند. همچنین از میان نظیره‌های گلستان سعدی در قلمرو عثمانی، در نگارستان کمال پاشازاده، سنبلستان شیخ شجاع گورانی و نهالستان نرگسی نیز، به پیروی از گلستان سعدی که زمان نگارش اثر را در مقدمه بیان کرده، فصل نوشتن اثر در دیباچه هر یک از آنها توصیف شده است. نظیره‌های گلستان، به جز نخلستان قسطنطنینوی، باب‌گذاری شده‌اند و مطالب آنها به صورت حکایت آورده شده است. کمال پاشازاده در نگارستان و نرگسی در نهالستان، همانند گلستان سعدی، به جامعه توجه نشان داده و نسبت به آن بی‌تفاوت نبوده‌اند؛ ولی در بقیه نظیره‌ها به همه اقشار مختلف جامعه توجه نشده و بیشتر مسائل اخلاقی و عرفانی مطرح شده است.

نثر تمام نظیره‌ها، همانند گلستان، آمیخته به نظم است و مؤلفان از ابیات عربی، فارسی و ترکی به عنوان شاهد استفاده کرده‌اند. از این آثار، نهالستان نرگسی و بلبلیستان فوزی موستاری ابیاتی به سه زبان عربی، فارسی و ترکی دارند و بقیه نظیره‌ها هم یا ابیات فارسی

و ترکی و یا فارسی و عربی را در خلال نثر درج کرده‌اند. برخلاف گلستان که اشعار آن از خود سعدی است، همه اشعاری که در نظیره‌ها آمده سروده خود مؤلفان نیست؛ تنها شجاع گورانی، مؤلف سنبلستان، در دیباجه اثر تصریح کرده که تمام ابیات به کار رفته در سنبلستان از خود اوست. نکته دیگر اینکه در نظیره‌ها به آیات قرآن، احادیث نبوی و ضرب‌المثل‌های عربی، فارسی و ترکی استشهد شده است.

به جز بلبستان حاجی محمد فوزی، که با نثری ساده نگاشته شده، دیگر نظیره‌ها مسجع‌اند، که از میان آنها، نهالستان نرگسی با تکلف و تصنع نوشته شده است. مبنای سجع‌های این آثار بیشتر واژه‌های عربی است.

همان‌طور که استاد منزوی، در مقاله‌ای به نام «تتبع در گلستان سعدی (۱)»، نظیره‌های گلستان سعدی را به سه دسته تقسیم کرده‌اند (منزوی ۱۳۵۲)، می‌توان نظیره‌های نوشته‌شده در قلمرو عثمانی را نیز به شرح زیر دسته‌بندی کرد:

الف) بعضی از مقلدان، در کار نظیره‌پردازی از گلستان سعدی، تقلید آشکار و صرف کرده‌اند و در مواردی هم حتی عبارات و جمله‌هایی مانند آنچه در گلستان آمده در اثر خود آورده‌اند؛ نگارستان کمال پاشازاده و سنبلستان شجاع گورانی (بیشتر دیباجه اثر) از جمله این آثارند.

ب) گروه دوم از نظیره‌پردازان، در نگارش آثار خود، تنها به سبک نویسندگی سعدی در گلستان توجه داشته‌اند. بنابراین، آنها اثری به نثر مسجع آمیخته به نظم و حکایت‌های پندآمیز نوشته‌اند (به جز بلبستان محمد فوزی افندی). این دسته از مقلدان هدف خود از نظیره‌پردازی را تحریر اثری همانند گلستان بیان کرده‌اند؛ نخلستان شکرالله شروانی، فتح‌نامه قاسم بن شیخ احمد کنجائی، نهالستان نرگسی، راحة الارواح چورلولو ظریفی، بلبستان فوزی موستاری، سنبلستان شوکت رومی و بلبستان محمد فوزی افندی (مفتی سابق ادرنه) از این دسته آثارند.

ج) گروه سوم نویسندگانی را شامل می‌شود که به نحوی تحت تأثیر گلستان سعدی

بوده‌اند، اما خود به این امر معترف نیستند و شاید این گروه از مقلدان ناخودآگاه تحت تأثیر سبک گلستان قرار گرفته‌اند و آثاری پدید آورده‌اند؛ برای نمونه، نخلستان قسطنطنیه‌ی را می‌توان نام برد.

نکته‌ی دیگری که باید درباره‌ی این آثار متذکر شد این است که از قرن نهم هجری به بعد نوشتن آنها شروع شده و تا قرن چهاردهم هجری ادامه یافته است. در طول این شش قرن، در قلمرو عثمانی، دوازده نظیره بر گلستان‌سعدی به رشته‌ی تحریر درآمده، که بر اساس تاریخ تألیف و زبان اثر در جدول زیر ذکر شده‌اند.

زبان اثر	قرن	۹ هجری	۱۰ هجری	۱۱ هجری	۱۲ هجری	۱۳ هجری	۱۴ هجری
فارسی	؟	۴	-	۱	۱	۱	۱
ترکی عثمانی	؟	۲	۲	۲			
مجموع آثار	۱	۶	۲	۲	۱	۱	۱

با توجه به این جدول می‌توان گفت که بیشتر آثاری که به پیروی از گلستان‌سعدی در قلمرو عثمانی نوشته شده مربوط به قرن دهم هجری/ شانزدهم میلادی است.

منابع

- خوینی، عصمت (۲۰۱۱م/ ۱۳۹۰ش)، «مقدمه» بر بلبستان ← فوزی موستاری.
- دیزداریچ، سداد (۱۳۸۴)، از گلستان‌سعدی تا بلبستان فوزی، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
- رضازاده‌ی شفق، صادق (۱۳۱۶)، «نکاتی راجع به گلستان»، سعدی‌نامه، به اهتمام حبیب یغمائی، شماره ۱۱ و ۱۲، بهمن و اسفند، ص ۶۵-۷۰.
- ریاحی، محمد امین (۱۳۶۹)، زبان و ادبیات فارسی در قلمرو عثمانی، تهران: پازنگ.
- سبحانی، توفیق و حسام‌الدین آق‌سو (۱۳۷۴)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه‌ی دانشگاه استانبول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سعدی شیرازی، مصلح‌الدین (۱۳۷۷)، گلستان، به تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، تهران: خوارزمی.
- شجاع‌گورانی (۱۳۸۴)، سنبلستان، به تصحیح محمد مهدی پور، تبریز: دانشگاه تبریز.

شکرالله شروانی (۲۰۰۶م)، نخلستان، به تصحیح آرزو سورن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استانبول: دانشگاه استانبول.

شوکت رومی، سنبلستان، نسخه خطی، کتابخانه دانشگاه استانبول، به شماره ۱۳۲۹ (۱۲۷۴). فوزی موستاری (۲۰۱۱م/ ۱۳۹۰ش)، بلبستان، به تصحیح عصمت خویینی، بوسنی: صباح پرینت ساریوو.

قاسم بن شیخ احمد کنجائی (۲۰۰۴م)، فتح‌نامه، به تصحیح زکائی کارداش، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استانبول: دانشگاه استانبول.

کارداش، زکایی (۲۰۰۴م)، «مقدمه» بر فتح‌نامه، قاسم بن شیخ احمد کنجائی. کمال پاشازاده (۱۹۹۴م)، نگارستان، به تصحیح و حواشی مصطفی چیچک‌ک‌ر، پایان‌نامه دکتری، استانبول: دانشگاه استانبول.

محمد فوزی (۱۳۱۲ق)، بلبستان، استانبول: مطبعة عامره. منزوی، احمد (۱۳۵۱)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۵، تهران: مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای. _____ (۱۳۵۲)، «تبع در گلستان سعدی (۱)»، وحید، دوره یازدهم، ش ۲، اردیبهشت، ص ۱۶۷-۱۷۸.

مهدی‌پور، محمد (۱۳۷۷)، «سایه گلستان در سنبلستان (معرفی کتاب سنبلستان شیخ شجاع گورانی)»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، سال ۴۱، شماره مسلسل ۱۶۹، ص ۱۲۹-۱۳۵.

_____ (۱۳۸۰)، «مقایسه دیباجه گلستان سعدی و سنبلستان شیخ شجاع گورانی»، مجموعه مقاله‌های نخستین گردهمایی پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، به کوشش محمد دانشگر، تهران: مرکز بین‌المللی تحقیقات زبان و ادبیات فارسی و ایران‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس با همکاری انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی، ج ۲، ص ۵۹۹-۶۲۰. _____ (۱۳۸۴)، «مقدمه» بر سنبلستان ← شجاع گورانی.

یازجی، تحسین (۱۳۷۸)، «اهمیت آثار سعدی در امپراتوری عثمانی و دوران جمهوریت ترکیه»، سلسله موی دوست (مجموعه مقالات)، گردآورنده: کاووس حسن‌لی، شیراز: هفت‌اورنگ، ص ۶۳۰-۶۳۸.

- BANARLI, Nihad Sami (1983), *Resimli Türk Edebiyatı Tarihi*, c. 2, İstanbul: Milli Eğitim Basımevi.
- Bursalı Mehmet Tahir (1972), *Osmanlı Müellifleri*, c. 3, A. Fikri YAVUZ ve İsmail ÖZEN (haz.), İstanbul: Meral Yayınevi.
- ÇALDAK, Süleyman (2010), *Nergisi ve Nihâlistan'ı*, İstanbul: Kesit Yayınları.
- Çorlulu Zarifi, *Rahatü'l-Ervah*, T 673/ 1, İstanbul: İstanbul Üniversitesi Kütüphanesi.
- Kostantinevi (2006), *Nahlistan (İnceleme-Metin-Dizin)*, [yayımlanmamış yüksek lisans tezi], Asu ERSOY, Manisa: Celal Bayar Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Yeni Türk Dili Anabilim Dalı.
- Mecdi Efendi (1989), *Şakaik-ı Nu'maniye ve Zeyilleri, Hadaiku's Şakaik*, Abdülkadir ÖZCAN (haz.), c. 5, İstanbul: Çağrı Yayınları.
- Mehmed Süreyya (1996), *Sicilli Osmanî*, c. 2, İstanbul: Tarih Vakfı.
- ÖZ, Yusuf (1996), *Tarih Boyunca Farsça-Türkçe Sözlükler*, [basılmamış doktora tezi], Ankara: Ankara Üniversitesi, Sosyal Bilimler Enstitüsü, Doğu Dilleri ve Edebiyatları Bölümü, Fars Dili ve Edebiyatı Anabilim Dalı.
- Şehî Bey (1980), *Tezkire-i Heşt Behişt*, Mustafa İSEN (haz.), Tercüman 1001 Temel eser: 152, İstanbul: Akçağ Yayınları.
- YILMAZ, Ozan (2008), *Yüzyıl Şarihlerinden Sudi-i Bosnevi ve Şerh-i Gülistan'ı (İnceleme-Tenkitli Metin)*, [basılmamış doktora tezi], İstanbul: Marmara Üniversitesi Türkiyat Araştırmaları Enstitüsü.
- ECKMANN, János (1968), "Sadi *Gülistan*'ın Bilinmeyen Çağatayca Bir Çevirisi", *Türk Dili Araştırmaları Yıllığı-Belleten*, 2. baskı, Ankara: Türk Dil Kurumu Yayınları, , Sayı: 286, s. 17-29.
- KARAIMAİLOĞLU, Adnan (1999-2000), "Akif ve Sa'di; Hikmette Birlik", *Yedi İklim Dergisi*, Sayı: 117-118, s. 75-77.
- KARAMANLIOĞLU, Ali Fehmi (1969), "Seyf-i Sarâyi'nin *Gülistan* Tercümesi'nin Dil Husûsiyetleri", *Türkiyat Mecmuası*, c. XV, s. 75-126.
- KÖPRÜLÜ, Mehmet Fuad (1977), "Fazlı", *İA*, İstanbul: Milli Eğitim Basımevi, c. 4, s 533-534
- OLÇUN, İbrahim (1978), "Türkçe Sadi ve Hafız Çevirileri", *Türk Dili (Çeviri Sorunları Özel Sayısı)*, Sayı: 322, s. 117-126.
- ÖZKAN, Mustafa (2012), "Manyaslı Mahmud ve İki *Gülistan* Tercümesi", *1. Uluslararası Türk-İran Dil ve Edebiyat İlişkileri Sempozyumu*, İstanbul: İBB Kültür ve Sosyal İşler Daire Başkanlığı Kültür Müdürlüğü, s. 567-575.

- TOĞAN, Zeki Velidî (1960), "Londra ve Tahran'daki İslâmî Yazmalardan Bazılarına Dair", *İslâm Tetkikleri Enstitüsü Dergisi*, III/ 2-4, s. 133-160.
- UZUNÇARŞILI, İsmail Hakkı (2011), *Osmanlı Tarihi (IV. cilt, 1. kısım: Karlofça Anlaşmasından XVIII. Yüzyılın Sonlarına Kadar)*, 7. baskı, Ankara: Türk Tarih Kurumu.
- YAZICI, Tahsin (1996), "Gülistan", *İA*, c. 14, s. 240-241, İstanbul.

